

## دگرگونی نیای زبان‌های رومیایی و چگونگی تبدیل آن به زبان‌های

### رومیایی جدید

#### نسرین گندمی<sup>۱</sup>

کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز،  
تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۰ شهریور ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۲ آبان ۱۴۰۰؛ تاریخ انتشار: ۹ اسفند ۱۴۰۰)  
هنگامی که یک زبان در منطقه بسیار گسترده‌ای گفتگو می‌شود دچار تغییر می‌گردد اما تغییراتی که در یک منطقه جغرافیایی مشاهده می‌شود با تغییرات آن زبان در منطقه دیگر متفاوت است. از این رو، یک زبان واحد کهن، در مرحله بعد به صورت‌های گوناگون ظاهر می‌شود. مثال معروف چنین حالتی، نیای زبان‌های رومیایی یعنی «لاتین» و زبان‌های مشتق شده از آن، یعنی زبان‌های رومیایی جدید است. این زبان‌های جدید هنوز در مواردی با یکدیگر شباهت دارند اما تفاهم‌پذیری متقابل ندارند. در این مقاله در بررسی تاریخی نیای زبان‌های رومیایی نشان داده می‌شود که این زبان هرگز نمرده بلکه پیوسته در تغییر بوده و با تنوع زبانی که در اثر همنشینی با سایر زبان‌ها انجام گرفته، زبان‌ها و گویش‌های متعددی از آن ایجاد شده است. صورت‌های مختلف زبان لاتین که امروزه در پاریس، رم و مادرید به کار می‌رود اگرچه با زبان رومی‌ها و با یکدیگر آنقدر متفاوت است که دیگر نمی‌توان آن‌ها را لاتین نامید اما مشتق شده از نیای این زبان رومیایی هستند و امروزه به جای لاتین پاریس، لاتین رم و لاتین مادرید از عنوان فرانسه، ایتالیایی و اسپانیایی استفاده می‌شود. همچنین در این مقاله سعی شده با بررسی شاخه زبان ایتالیک از خانواده بزرگ زبان‌های هند و اروپایی و بررسی مهم‌ترین زبان در میان زبان‌های این شاخه که بدون شک لاتین است به ردپای این زبان در میان زبان‌های آن شاخه پرداخت.

**واژه‌های کلیدی:** زبان‌های هند و اروپایی، زبان ایتالیک، تنوع زبانی، زبان لاتین، زبان‌های رومیایی.

<sup>1</sup> E-mail: ngandomi@ut.ac.ir

## مقدمه

بر پایه تمام مشاهدات زبان‌ها، می‌توان ادعا کرد که یک زبان در یک دوره زمانی طولانی، دچار دگرگونی می‌گردد. هنگامی که یک زبان در منطقه بسیار گسترده‌ای گفتگو می‌شود در واقع دچار تغییر می‌گردد اما تغییراتی که در یک منطقه جغرافیایی مشاهده می‌شود با تغییرات آن زبان در منطقه دیگر متفاوت است. از این رو، معمولاً با وضعیتی روبرو هستیم که یک زبان واحد کهن، در مرحله بعد به صورت‌های گوناگون ظاهر می‌شود. مثال معروف چنین حالتی، نیای زبان‌های رومیایی یعنی لاتین و زبان‌های مشتق شده از آن یعنی زبان‌های رومیایی جدید است. این زبان‌های جدید هنوز در مواردی با یکدیگر شباهت دارند اما تفاهم‌پذیری متقابل ندارند. هنگامی که این تغییرات به حد قابل ملاحظه‌ای رسید امکان آن پیدا شد که زبان هر یک از این مناطق، زبانی جداگانه به شمار آورده شود.

در هر مرحله‌ای از تاریخ بشر در عین اینکه برخی از زبان‌ها به لهجه‌های مختلف و به تدریج به زبان‌های مجزا تبدیل می‌شدند، برخی دیگر از آن‌ها نیز ناپدید می‌گردیدند. مرگ زبانی یکی از ویژگی‌های عمده تاریخ بشر است و اغلب زبان لاتین را زبانی مرده می‌نامند. واقعیت این است که لاتین هرگز نمرده است یعنی در هیچ زمانی مردم به یکباره سخن گفتن به آن را کنار نگذاشتند. در هر نسلی، انسان‌ها زبان خود را از والدینشان می‌آموزند و آن را به فرزندان خود نیز منتقل می‌کنند و با این دانسته، پیداست که هرگز نمی‌توان گروهی را به عنوان آخرین کسانی که به زبان لاتین سخن می‌گویند، در نظر گرفت (تراسک ۱۳۸۲، ۱۰۷). زبان‌ها پیوسته در تغییرند و در واقع هیچ‌گونه وقفه‌ای در پیوستگی آن‌ها میان یک مقطع زمانی و مقطع زمانی دیگر وجود ندارد. بنابراین مرزهای زمانی و مکانی یک زبان، غالباً ثابت نیستند و دقیقاً مشخص نمی‌باشند.

در این مقاله در بررسی تاریخی نیای زبان‌های رومیایی نشان داده می‌شود که این زبان پیوسته در تغییر بوده و با تنوع زبانی که در اثر همنشینی با سایر زبان‌ها انجام گرفته، زبان‌ها و گویش‌های متعددی از آن ایجاد شده است. صورت‌های مختلف زبان لاتین که امروزه در پاریس، رم و مادرید به کار می‌رود اگرچه با زبان رومی‌ها و با یکدیگر آنقدر متفاوت است که دیگر نمی‌توان آن‌ها را «لاتین» نامید اما مشتق شده از نیای این زبان رومیایی هستند و امروزه به جای لاتین پاریس، لاتین رم و لاتین مادرید از عنوان فرانسه، ایتالیایی و اسپانیایی استفاده می‌شود و می‌توان به عنوان زبان‌های رومیایی جدید که از نیای آن یعنی زبان لاتین مشتق شده، یاد کرد.

در این مقاله با بررسی شاخه زبان ایتالیک از خانواده بزرگ زبان‌های هند و اروپایی و بررسی مهم‌ترین زبان در میان زبان‌های شاخه ایتالیک که بدون شک لاتین است به ردپای زبان لاتین در زبان‌های آن شاخه خواهیم پرداخت.

پیشینه‌ای تحقیقاتی در بررسی تاریخی و تطبیقی تحولات نیای زبان‌های رومیایی و تغییرات آن در طول مقاطع زمانی متعدد و یا اشاره به رد پای این زبان در شاخه ایتالیک که از خانواده هند و اروپایی می‌باشد مشاهده نشد. صرفاً چندین مقاله به صورت کلی درباره زبان‌های هند و اروپایی نوشته شده است که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود: مقاله «ریشه‌شناسی دو واژه از نسبت‌های خویشاوندی در زبان‌های هند و اروپایی» از گفام شریفی، که شامل بررسی ریشه‌شناسی واژه‌های زبان‌های هند و اروپایی می‌باشد، مقاله «تحول آوایی زبان‌های هند و اروپایی» از سهراب برگ بیدوندی که به بررسی آوایی زبان‌های هند و اروپایی می‌پردازد، مقاله «باره پهلوانی در اساطیر هند و اروپایی» از خسرو قلیزاده که به اسطوره‌های این زبان‌ها پرداخته می‌شود و نیز مقاله «خویشاوندی زبان ها، خاستگاه زبان آلمانی و تحولات آن» از سوزان گویری موجود است که خاستگاه زبان آلمانی را در زبان‌های هند و اروپایی مورد بررسی قرار داده است و همچنین تعدادی مقاله دیگر که با همین مضامین بوده است. لذا در این مقاله سعی شد چگونگی تنوع زبانی در نیای زبان‌های رومیایی که در نتیجه هم‌نشینی آن با دیگر زبان‌های شاخه ایتالیک از خانواده هند و اروپایی ایجاد شده است و تبدیل آن به زبان‌های رومیایی جدید متعدد بررسی شود. در این راستا با توضیح خانواده زبان‌های هند و اروپایی و زبان ایتالیک در این خانواده که لاتین مهم‌ترین زبان در این شاخه است تلاش می‌شود تا به بررسی خویشاوندی زبان‌ها در این شاخه به زبان‌های رومیایی جدید پرداخته شود؛ و در نهایت، چگونگی تغییرات زبان لاتین که نیای زبان‌های رومیایی است و تبدیل آن به صورت‌های رومیایی جدید توضیح داده شود.

#### بحث و بررسی

شهر روم پس از یک قرن آشوب و بحران داخلی و فشار و یورش خارجی، سرانجام مرکزیت خود را به عنوان پایتخت اداری امپراتوری از دست داد و این در روزگار دیوکلسیانوس<sup>۱</sup> اتفاق افتاد که از سال ۲۸۴ تا ۳۰۵ میلادی حکومت کرد. آنگاه جانشین بعدی او به نام کنستانتین<sup>۲</sup> دولت خود را به شهری دیگر منتقل کرد و این شهر را در محل شهر بیزانس بنا کرد و آن را به نام خود کنستانتینوپل<sup>۳</sup> (قسطنطنیه) نامید. تا پایان قرن چهارم، امپراتوری روم رسماً به دو خطه شرقی و غربی تقسیم شده بود و هر یک امپراتوری خاص خود را پیدا کرده بود. این تقسیم‌بندی کمابیش در راستای حد و مرزی انجام گرفت که نواحی یونان‌مدار کهن را از ایالات غربی جدا می‌کرد و این نواحی هرچند مغلوب روم

<sup>1</sup> Diocletianus

<sup>2</sup> Constantine

<sup>3</sup> Constantinople

شده بود اما همچنان به زبان و فرهنگ یونانی باقی مانده بود و حال آنکه ایالات غربی ایالاتی بودند که رومیان در سرزمین‌های اقوام وحشی بنیاد نهاده بودند و خود در زبان و فرهنگ، تحت نفوذ رومیان قرار داشتند. تا آنکه سرانجام این شهر نیز در سال ۱۴۵۳ میلادی به دست ترکان گشوده شد و شکست خورد. رومیان از همان نخستین تماس‌هایشان با یونانیان با سعه صدر و روی خوش پذیرفتند که این قوم در عرصه دستاوردهای فکری و هنری از خود آنان برترند و این به لحاظ زبان‌شناختی در دو زبان متفاوت منعکس شد که یکی زبان رایج ایالات غربی گردید و دیگری زبان رایج ایالات شرقی. در نیمه غربی امپراتوری که خود هیچ تماسی با تمدن شناخته شده‌ای پیدا نکرده بود، زبان لاتین هم زبان رسمی و اداری شد و هم زبان بازرگانی و حقوق و هم زبان علم و آموزش و هم زبانی که با آن بتوان به پیشرفت‌های اجتماعی نائل آمد. سرانجام نیز صورت گفتاری همین زبان لاتین که با صورت ادبی و کهن آن یکی نبود زبان‌های پیشین بخش بزرگی از ایالات غربی را کنار زد و خود جای آن‌ها را گرفت، ولی در نیمه شرقی امپراتوری، که از روزگار یونان‌مداری تا حد زیادی زیر سلطه‌ی اداری یونان بود زبان یونانی به هر حال همان پایگاهی را که از پیش احراز کرده بود همچنان نگاه داشت و مأموران رومی در جریان مأموریتشان در آن نواحی زبان یونانی را به ضرورت می‌آموختند و به کار می‌بستند و ادبیات و فلسفه یونانی در این نواحی همچنان تداوم داشت و محترم شمرده می‌شد.

طی سالیانی که روم بر جهان متمدن غرب فرمان می‌راند، میان لاتین‌زبانان و گویندگان زبان‌های دیگر حتماً می‌باید تماس‌هایی در سطوح مختلف و در جاهای گوناگون پدید می‌آمد و به وجود مترجمان فراوان، نیاز بسیار احساس می‌شد، و آموزش و یادگیری زبان لاتین و در ایالات شرقی، آموزش و یادگیری زبان یونانی، مشغله همه قشرها و طبقات، چه در مدارس رسمی و چه در جلسات درس خصوصی در خانه، به شمار می‌آمد.

احتمالاً هیچ چیز بهتر از جنبه وزنی و عروضی شعر نمی‌تواند نشان دهد که ادبیات تا چه حد به لحاظ صوری متکی به زبان است. وزن کمی نزد یونانیان امری کاملاً طبیعی بود و این تنها نه به این دلیل بود که شعر همراه با رقص و آواز زاده شد و در کنار همان‌ها رشد کرد بلکه دلیل دیگری نیز داشت و آن تناوب هجاهای بلند و کوتاهی بود که در اجرای روزانه زبان یونانی چیزی کاملاً زنده به شمار می‌رفت. تکیه‌های نواخت بنیاد<sup>۱</sup> زبان یونانی که تنها در درجه دوم پدیده‌هایی از نوع تکیه فشاری هم محسوب می‌شدند، به هجاهای این زبان کمک می‌کردند تا فردیت کمی خود را به دست آورند. به هر حال، تکیه در زبان لاتین در سنجش با تکیه در زبان یونانی به طرز محسوس‌تری از نوع

<sup>1</sup> Tonal accents

تکیه فشاری بود.

#### لاتین در شبه جزیره ایبریا<sup>۱</sup>:

زبان لاتین در سال ۲۱۸ قبل از میلاد در شبه جزیره ایبریا که شامل اسپانیای کنونی و پرتغال می‌شود و همچنین به واسطه جنگ‌های پونیک<sup>۲</sup>، بوجود آمد. خیرونا<sup>۳</sup> اولین شهر اسپانیایی بود که رومی‌ها در آن پیاده شدند و فتح اسپانیا را بنا نهادند ولی این فتح به دلیل مقاومت برخی از مناطق اسپانیا آسان صورت نگرفت و دو قرن به طول انجامید. لاتینیزه شدن اسپانیا به دلیل طولانی شدن فتح آن، دارای ویژگی خاص و متفاوتی نسبت به باقی اروپای فتح شده، داشت که یک بُعد آن به ویژگی اجتماعی آن دوران این شبه جزیره اسپانیا باز می‌گردد و بخش دیگر به تنوع فشارهایی که بدانجا می‌رسیدند، به عبارتی فقط سربازها نبودند که به اسپانیا آمدند بلکه به دلیل طولانی شدن فتح قبایل مختلف رومی، سربازان، مسئولین ادارات دولتی، تجار، ملاکین و حتی مردمی از قشرهای پایین جامعه آن روز روم به این شبه جزیره مهاجرت کردند و همین باعث بوجود آمدن تمایزاتی از همان ابتدا در زبان لاتینی که در اسپانیا می‌شد با باقی مناطق فتح شده و حتی خود مرکز فرماندهی روم بوجود آید.

لاتینیزه شدن زبان اسپانیا، خیلی سریع و بدون مقاومت انجام پذیرفت چرا که با یادگیری این زبان به منابع لاتین و بازارهای روم و فرهنگ و مراودات سریع‌تر آشنا می‌شدند ضمن این که ساکنین اسپانیا، زبان لاتین را زبانی غنی و با ساختار دستوری کاملتری نسبت به زبان خود یافتند و حاکمین رومی نیز استفاده از زبان لاتین را در تمامی مراکز شهری و دولتی به عنوان تنها زبان رسمی معرفی کرده بودند لذا از همان ابتدا یک تسلط و تبعیض زبانی در جامعه آن روز اسپانیا بوجود آمد و رفته رفته زبان‌های محلی آن زمان شبه جزیره از بین رفتند (بجز اروسکی<sup>۴</sup> که زبان متداول ساکنین باسک<sup>۵</sup> می‌باشد) و لاتین جانشین آن شد.

#### آواشناسی زبان لاتین:

الفبای لاتینی در قرن هفتم پیش از میلاد پدید آمد و الفبای آن ۲۳ حرف دارد.

<sup>1</sup> Iberia

<sup>2</sup> Ponic

<sup>3</sup> Gerona

<sup>4</sup> Aruski

<sup>5</sup> Basque

حروف		تلفظ
A	a	a
B	b	be
C	c	ce
D	d	de
E	e	e
F	f	ef
G	g	ge
H	h	ha, hac
I	i	i
K	k	ca
L	l	el
M	m	em
N	n	en
O	o	o
P	p	pe
Q	q	cu
R	r	er
S	s	es
T	t	te
V	v	u
X	x	ix
Y	y	Ypsilon
Z	z	zetaz

(أزبرگ<sup>۱</sup>، ۱۹۶۵، ۱۷)

واکه‌های آن عبارتند از: a, e, i, o, u, y و سایر حروف همخوان هستند. واکه‌های مرکب شامل ae, oe, ei, au, eu, ui می‌شوند (بنیت<sup>۲</sup>، ۱۹۰۸، ۱۰).

واکه‌ها ممکن است به صورت بلند تلفظ شوند که با علامت <sup>ˉ</sup> نشان داده می‌شود و گاهی به صورت کوتاه تلفظ می‌شوند که علامت آن به این صورت می‌باشد <sup>˘</sup> و اگر گاهی بلند و گاهی کوتاه تلفظ شوند به صورت <sup>ˉ˘</sup> نشان داده می‌شود. واکه‌های بلندکشیده‌تر تلفظ می‌شوند و از نظر زمانی دو برابر

<sup>1</sup> Orberg

<sup>2</sup> Benét

زمان تلفظ واکه کوتاه می‌باشد.

از زبان لاتین به عنوان زبان صرفی یاد می‌شود.<sup>۱</sup> مثلاً در جمله زیر:

Ego rosas video.

من رزها را می‌بینم.

من، مفعول + نشانه «ی جمع» در حالت مفعولی، فعل + نشانه صرف اول شخص مفرد در زمان حال (صرف نوع دوم)

در جمله بالا، هر واژه به دو جزء قابل تقسیم است. به عنوان مثال پسوند -as شامل نشانه جمع و مفعول است و تجزیه آن به عناصر کوچک‌تر امکان‌پذیر نیست. همین مطالب در مورد پسوند -o نیز صادق است.

#### لاتین کلاسیک و محاوره‌ای:

زبان لاتین نیز به مانند دیگر زبان‌ها دارای تنوع زبانی است مرتبط با عوامل گویشی، اجتماعی، فرهنگی، فاکتورهای تاریخی و نیز در آخر فاکتورهای بیانی که در واقع نتیجه هم‌نشینی با دیگر زبان‌ها می‌باشد. در واقع لاتین محاوره‌ای، لاتینی بود که سینه به سینه منتقل شده بود و بر خلاف لاتینی که رومی‌ها برای محاوره استفاده می‌کردند و معرف لاتین کلاسیک بود، نوع گویشی لاتین به شمار می‌رفت که در کوچه و خیابان توسط مردم عامی استفاده می‌شد و از لاتین کلاسیک در خیلی از مسائل ساختاری و گویشی دور بود چرا که زبانی پویا و زنده‌ای بود مختص محاوره و غیر کتابت و به دلیل گستره و محبوبیتش در بین مردم، در واقع لاتینی بود که بعدها گسترش یافت و تا قاره آمریکا نیز رسید و منجر به تولید آثار ادبی و هنری بسیاری در این زبان شد؛ بر خلاف لاتین کلاسیک که فقط در حالت کتابت ماند. لذا به جرات می‌توان گفت که زبان‌های رومیایی، رشد و گسترش خود را مدیون زبان لاتین محاوره‌ای می‌دانند تا کلاسیک. با توجه به این که لاتین محاوره‌ای فقط در محیط‌های غیر رسمی استفاده می‌شد لذا متن و یا مدرکی جهت نشان دادن ریشه محاوره‌ای زبان‌های رومی به طور واضح و شفاف وجود نداشت ولی به لطف محاوره‌ای بودن برخی از آثار ادبی آن دوران که توسط افرادی نگاشته شده‌اند که دارای سواد لاتین کلاسیک بالایی نبودند علم زبان‌شناسی توانست مجموعه‌ای از دست نوشته‌های آن دوران را گردآوری نماید که برای مطالعه‌ی ریشه‌ها حائز اهمیتند. برخی از این مدارک و منابع مطالعاتی عبارتند از:

<sup>۱</sup> زبان صرفی زبانی است که عناصر معنی‌دار متعددی در یک واژه وجود دارد که به نوعی با هم درآمیزند یا در بافت‌های مختلف دچار دگرگونی شوند.

آثار دستوری لاتین که بسیاری از نویسندگان لاتینی برای علاقه شخصی، سعی در کتابت نمودن ساختار دستوری لاتین نمودند، در آنها عباراتی وجود داشت که در جامعه مصطلح بود ولی از نظر لاتین کلاسیک، غلط به شمار می‌رفت و از گویشوران خواسته بودند که از این ساختارها استفاده نکنند. لغت نامه لاتین، منبع قابل استفاده زبان‌شناسان بود که در آنها مجموعه‌ای از واژگان روزمره و رایج زبان لاتین به صورت تک زبانه گردآوری شده و واژگان و اصطلاحاتی را که توسط مردم مورد استفاده قرار می‌گرفت به لاتین کلاسیک برگردانده بودند.

شناخت لاتین محاوره‌ای برای تفسیر و توضیح ویژگی‌های دستوری زبان‌های رومیایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. متحول شدن از محل استفاده و به صورت خود به خودی به جای رسمی و کلیشه‌ای که ناشی از زبان کتابت و یا ادبیات می‌باشد، از دیگر گرایش‌های کلی تمامی زبان‌های دنیا محسوب می‌گردد. به عبارتی ویژگی‌های زیادی در زبان لاتین و در نتیجه در زبان‌های رومیایی یافت می‌شوند که چنانچه با لاتین محاوره‌ای آشنا نباشیم دارای توجیه منطقی نیستند چرا که تحولات زبانی هستند که هیچگاه نمی‌توانستند نتیجه تحول زبان لاتین کلاسیک باشند و در چارچوب قواعد زبانی آن نمی‌گنجند. برخی از موارد آن عبارتند از:

- ۱- نظم واژگان: در ساختار کلاسیک لاتین به راحتی مبالغه و جابجایی بین واژگان امکان‌پذیر بوده به عبارتی جای‌گیری واژگانی بین دو واژه هم معنا بسیار مرسوم بوده ولی در زبان لاتین محاوره‌ای، ترجیح بر قرار گرفتن نهاد و گزاره در کنار هم است.
- ۲- حروف معین: در لاتین کلاسیک حروف معین معمولاً در داخل عبارت قرار می‌گرفتند در حالی که در لاتین محاوره‌ای سعی در هم‌نشینی آنان با واژگانی است که بر آنها دلالت دارند. این نظم هم‌نشینی رفته رفته در دوران آخر امپراطوری روم جای خود را در زبان کتابت نیز باز نمود و این مورد، امروزه در زبان‌های ریشه رومانیایی هنوز پابرجاست.
- ۳- صرف: زبان لاتین زبانی سببی محسوب می‌شد با پنج حالت صرفی که در آنها عملکرد ساختاری جملات بر اساس نوع مورفولوژی هر واژه‌ای تعیین می‌شد. با این وجود در زبان‌های رومانیایی مشاهده می‌شود که این سیستم صرفی، جای خود را به سیستم استفاده از حروف اضافه داده که ویژگی لاتین محاوره‌ای به شمار می‌رود. برای این کار، لاتین محاوره‌ای حروف اضافه‌هایی را وارد لاتین کرد که امروزه نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- ۴- جنسیت: در زبان لاتین جنسیت اشیاء خیلی ساده‌تر از لاتین کلاسیک است، یکی از موارد بارز آن وجود نهاد‌های ختئی در زبان لاتین کلاسیک بود که در محاوره‌ای در طبقه‌بندی مذکر قرار گرفتند.



۵- صفات مقایسه‌ای: در زبان لاتین پسوندهای زیادی برای مقایسه تفصیلی و عالی وجود داشتند که در زبان‌های رومیایی کنونی به یک حالت تبدیل شده‌اند و از ویژگی‌های لاتین محاوره‌ای به شمار می‌رود.

۶- صفات اشاره: تأثیر زبان محاوره‌ای که اهمیت زیادی به مشتقات اشاره‌ای می‌داد باعث بوجود آمدن صفات اشاره‌ای در زبان‌های رومیایی شد و در حد چشمگیری استفاده از صفات اشاره‌ای که با یک اسم همراهی می‌شدند را زیاد کرد، به ویژه زمانی که می‌خواستند به موضوعی و یا شیئی اشاره کنند که قبلاً از آن صحبت شده بود و از آنجا حروف تعریف معین در زبان‌های رومیایی بوجود آمدند که لاتین کلاسیک فاقد آنها است ولی در تمامی زبان‌های رومیایی دیده می‌شوند.

۷- صرف افعال: در رابطه با صرف افعال آنچه که در زبان لاتین محاوره‌ای دیده می‌شود ولی در لاتین کلاسیک وجود نداشته، استفاده از عبارات اسمی می‌باشد. بدین ترتیب تمامی حالت‌های مجهول فعل حذف و عبارات اسمی جای آنها را گرفته‌اند؛ هم چنین زمان آینده نیز جای خود را به ساختار اسمی داد که امروزه در زبان‌های ریشه رومیایی بسیار مرسوم می‌باشند.

۸- واژگان: واژگان لاتین محاوره‌ای بسیاری از واژگان کلاسیک را به خاطر عدم استفاده فراموش کرده است به همین دلیل گاهی اوقات که برای یک معنا دو واژه در زبان کلاسیک وجود داشته جای خود را در محاوره‌ای به یک واژه داده و با استفاده از پسوند، پیشوند و میان‌بند واژه‌سازی کرد تا جایگزین واژگان فراموش شده، شود.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ساده‌ترین تأثیری که یک زبان می‌تواند در زبانی دیگر داشته باشد وام‌گیری واژگانی است. هرکجا وام‌گیری فرهنگی درکار باشد همیشه این امکان هست که واژه‌های وابسته نیز وام گرفته شوند (سایپر ۱۳۷۶، ۲۷۶). ریشه لاتین محاوره‌ای و علائم آن در کلیه زبان‌های رومیایی وجود دارد. در قرن ششم یک زبان لاتینی که به شدت محاوره‌ای شده به عنوان یک زبان می‌میرد (و فقط به عنوان یک ابزار علوم پزشکی به حیات خود ادامه می‌دهد) و جای خود را به گویش‌های متعددی می‌دهد که در آینده و با گذشت زمان تبدیل به زبان‌های رومیایی جدید می‌شوند.

#### زبان‌شناسی رومیایی:

همانند دیگر بخش‌های دانش و فرهنگ، رومیان در زمینه زبان‌شناسی نیز یافته‌های یونانیان را به عاریه گرفتند. زبان‌شناسی رومیایی تا حد زیادی به کارگیری اندیشه‌ها، جدال‌ها و مقوله‌های دستور زبان یونانی بر لاتین بود. شباهت ساخت‌های اصلی دو زبان به همراه یگانگی تمدن یونانیان و رومیان،

انتقال این دانش زبانی را بهتر میسر ساخت.

تجربه رومیان در دانش زبان‌شناسی نیز تابع همان شرط عام و فراگیری بود که بر کل تجربیات آنان در همه زمینه‌های علمی سایه‌گستر بود و آن شرط عام ریشه در نسبت و در پیوندهایی داشت که میان آنان و عالم فکر و فرهنگ یونانی برقرار بود. آنچه کار این انتقال زبان‌شناختی و فرازبانی را آسان می‌ساخت یکی شباهتی نسبی بود که میان ساخت‌های پایه هر دو زبان یونانی و لاتین به چشم می‌خورد و دیگری یگانگی تمدنی بود که در ایجاد آن یونان و روم هر دو دخالت داشتند.

وارون<sup>۱</sup>، نخستین نویسنده جدی لاتین زبان است (روبینز ۱۳۷۳، ۱۰۹). او معتقد بود که زبان از دل مجموعه محدودی از واژه‌های نخستین برآمده و رشد کرده است و آن مجموعه، اصل و منشأ زبان را تشکیل می‌دهد. واژه‌های یاد شده را در آغاز از آن رو بر اشیاء نهاده‌اند تا بتوان از آن اشیاء یاد کرد و همین‌ها حکم سرچشمه زایا و جوشانی را پیدا کرده‌اند که از دل آن شمار فراوانی از واژه‌های دیگر نشأت یافته است و واژه‌های دیگر یا از رهگذر تغییرات بعدی در حروف پدید آمده‌اند و یا از رهگذر تغییر در صورت‌های آوایی واژه‌های نخستین. وی معتقد است که این تغییرات در حروف با گذشت سالیان صورت می‌گیرد و برای نمونه به برخی از واژه‌های موجود در زبان لاتین باستان از صورت‌های کهنه یا نخستین به دست می‌آید. مثلاً واژه *bellum* در لاتین باستان از صورت کهنه‌تر *duellum* آمده است. واژه *bellum* در لاتین به معنای «جنگ» است. وی می‌گوید معانی واژه‌ها نیز تغییر پیدا می‌کند. مثلاً معنای واژه *hostis* تغییر کرده است این واژه یک وقت معنای «بیگانه» را می‌رسانده است اما در زمان وارو و در لاتین باستان و همچنین بعدها معنای «دشمن» از آن افاده می‌شده است. در اشاراتی که وارو می‌نماید نوعی ناآگاهی نسبت به تاریخ زبان‌شناسی به چشم می‌خورد. اما واقعیت امر از این قرار بود که برخی از این واژه‌ها حاصل وام‌گیری‌های تاریخی بودند و آن وام‌گیری‌ها در ادوار مختلف و همگی پس از آن صورت گرفته بودند که دو جامعه زبانی یونانی و لاتین نخست به طور غیرمستقیم با هم تماس پیدا کرده بودند و آنگاه به طور مستقیم و برخی دیگر از آنها واژه‌های هم-خانواده‌ای بودند که از صورت‌های هند و اروپایی و لذا کهن‌تری آمده بودند که اکنون هم می‌شود با استفاده از شیوه‌های زبان‌شناسی تاریخی و تطبیقی به وجود آنها به قرائن پی برد و اشکال آنها را تا حد زیادی بازسازی کرد. (روبینز ۱۳۷۳، ۱۱۱)

یکی از مهمترین ملاحظات وارو تمایز گذاردن میان ساخت‌های اشتقاقی و تصریفی است. در دوران باستان، ساخت‌های یاد شده کاملاً روشن نبود. یکی از مشخصه‌های صریح تصریف‌ها عمومیت

<sup>1</sup> Varun

گسترده آن‌هاست یعنی مقوله‌های تصریفی برای همه سخنگویان یکسان است. در مقایسه با آن، اشتقاقی‌ها از لحاظ کاربرد، همانند تصریفی‌ها، چنین عمومیت گسترده و همگانی ندارد بلکه احتمالاً از یک سخنگو به سخنگوی دیگر و از یک ستاک واژه به دیگری فرق می‌کند. (مشکوه‌الدینی ۱۳۷۶، ۲۶)

به این ترتیب، وارو برای نخستین بار، ساخت واژگانی و دسته‌بندی واژه‌ها در زبان لاتین را به دست داد. مقوله‌های واژگانی ارائه شده توسط وارو نشان می‌دهد که او چگونه بدون عاریه‌گیری محض، یافته‌های یونانیان را درک کرده و در زبان لاتین به کار برده است. او حالت<sup>۱</sup> و زمان<sup>۲</sup> دستوری را به عنوان نخستین مقوله‌های تمایزدهنده واژه‌های تصریفی بازساخت و نظامی از دسته‌های چهارگانه‌ی واژه‌های تصریفی یعنی اسم، فعل، صفت فعل<sup>۳</sup> و قید را به دست آورد. پس از او، نویسندگان اغلب مسائل زبان‌شناسی پیشین را دنبال کرده‌اند بدون آن که موضوع تازه‌ای ارائه دهند.

در سده‌های میانه، هنگامی که زبان لاتین از حال باستانی به صورت زبان‌های رومیایی کنونی تغییر شکل می‌داد باز هم بررسی و آموزش دستور زبان لاتین به عنوان سنتی کهن همچنین ادامه داشت و زبان لاتین همچنان نفوذ ادبی، دینی و فرهنگی خود را دارا بود. دستور زبان لاتین یکی از موضوع‌های اصلی آموزشی بود. همچنین، درست خواندن و درست نوشتن زبان لاتین پایه‌ای برای هرگونه پژوهشگری در دوران میانه به شمار می‌رفت. در همین دوران فلاسفه مسیحی برخی دیگر از مشخصه‌های دستور زبان لاتین را آشکار ساختند، از جمله برخی تمایزها میان اسم و صفت، مطابقه دستوری (مطابقه میان برخی واژه‌های مرتبط در جمله)، حاکمیت دستوری (مطابقه میان دو عنصر از مقوله‌های متفاوت، مثلاً فعل و اسم) و بدل. به منظور آموزش در نقاط گوناگون اروپا، دستور زبان لاتین نوشته شد. در این میان، دستور زبان لاتین برای تدوین دستور زبان برای دیگر زبان‌های اروپایی نمونه قرار گرفت. در این راه، هر چند که دستورنویسان از تفاوت‌های موجود میان زبان لاتین و زبان‌های خود آگاه بودند، با این حال، تفاوت‌های یاد شده برای به کارگیری نظام دستور زبان پریسکیانوس<sup>۴</sup> بر زبان‌های دیگر مانعی محسوب نمی‌شد.

#### خانواده زبان هند و اروپایی:

بازسازی زبان هند و اروپایی مادر، یکی از دستاوردهای مهم علم، در قرن نوزدهم به شمار می‌رود.

<sup>1</sup> Case

<sup>2</sup> tense

<sup>3</sup> Participle

<sup>4</sup> *Prytaneis*

در داخل این خانواده اختلافات و گوناگونی‌های بسیاری میان اعضای آن وجود دارد به طوری که زبان‌های هند و اروپایی امروزی با یکدیگر شباهت بسیار کمی دارند.

کارل بروگمان<sup>۱</sup>، زبان هند و اروپایی را به هشت شاخه یا خانواده فرعی تقسیم می‌نماید: ۱- هند و ایرانی (آریایی)، ۲- ارمنی، ۳- یونانی، ۴- آلبانیایی، ۵- ایتالی، ۶- سلتی، ۷- ژرمنی، ۸- بالتی - اسلاوی.

علاوه بر این شاخه‌ها که تا پایان قرن نوزدهم کاملاً شناخته شده بودند، آنتوان میه<sup>۲</sup> مواردی از دو خانواده فرعی دیگر را نیز که اسناد مکتوب آن‌ها در اوایل قرن بیستم کشف شده بود مورد استفاده قرار داد. این دو زبان عبارت بودند از: ۹- آنتولیائی، ۱۰- تخاری. (آرلاتو ۱۳۸۴، ۱۲۱)

در گذشته برخی از دانشمندان، زبان‌های ایتالی و زبان‌های سلتی را زیر یک شاخه فرضی هند و اروپایی به نام ایتالی - سلتی گروه‌بندی کرده بودند اما بررسی‌های اخیر نسبت به وجود این زبان مشترک تردیدهایی به وجود آورده است و اکنون زبان‌های ایتالی و سلتی به طور کلی دو شاخه جداگانه به شمار می‌آیند که از تحول مستقل زبان هند و اروپایی مادر پیدا شده‌اند.

#### خانواده زبان ایتالیک:

خانواده زبان ایتالیک در اصل شامل زبان‌های مختلفی بود که تقریباً در ناحیه ایتالیایی کنونی صحبت می‌شده است. آن دسته از زبان‌های ایتالیک که اکنون به کار می‌روند جملگی از تبار لاتین و زبان‌های رومیایی خوانده می‌شوند. مرسوم است که این خانواده زبانی را به گروه شرقی (شامل ایتالیایی و رومانیایی) و گروه غربی شامل تمام زبان‌های رومیایی دیگر بجز ساردینی (که تنهاست) تقسیم می‌کنند. گروه غربی خود به ایبرو- رومیایی (اسپانیایی، پرتغالی و کاتالونی) و گالو - رومیایی، اعم از آن دسته از زبان‌های رومیایی که در فرانسه و سوئیس به آنها صحبت می‌شود، تقسیم می‌گردد. (ویلیام اوگرادی و همکاران ۱۳۸۴، ۳۹۰)

مهم‌ترین زبان در میان زبان‌های شاخه ایتالیک، بدون شک لاتین است که زبان روم باستان و نیای زبان‌های رومیایی جدید مانند فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی، پرتغالی<sup>۳</sup> و رومانیایی<sup>۴</sup> است. گویش‌های اُسکی<sup>۵</sup> و اومبریایی<sup>۱</sup> با زبان لاتین کهن هم زمان بوده‌اند و با آنکه ناشناخته‌تر مانده‌اند، غالباً در مطالعات

<sup>1</sup> Karl Brugmann

<sup>2</sup> Antoine Meillet

<sup>3</sup> Portuguese

<sup>4</sup> Romanian

<sup>5</sup> Oscan

تاریخی سودمند هستند. (آرلاتو ۱۳۸۴، ۱۲۳)

از خانوادهٔ زبان‌های رومیایی زبان‌های فرانسوی، اسپانیایی، پرتغالی، ایتالیایی و رومانیایی<sup>۲</sup> گسترده‌ترین زبان‌های آن هستند و در واقع می‌توان گفت که هر یک، زبان یک ملت است؛ حال آنکه کاتالان<sup>۳</sup>، پرووانسی<sup>۴</sup>، ساردینیایی<sup>۵</sup>، رتورومیایی، اکسیتان<sup>۶</sup> و دالماسی<sup>۷</sup> سخنگویان کمتری دارند و به مناطق کوچکتری در چارچوب یک کشور محدود می‌شوند. (کاتسر ۱۳۷۶، ۱۹)

### نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان گفت که همه دستوریان زبان لاتین، نظامی یکسان برای توصیفات دستوری قرار دادند و همان نظام را به عنوان پایه و مبنای کارهای دیگر خود پذیرفتند و از آن پیروی کردند. در هر مرحله‌ای از تاریخ بشر در عین اینکه برخی از زبان‌ها به لهجه‌های مختلف و به تدریج به زبان‌های مجزا تبدیل می‌شدند، برخی دیگر از آنها نیز ناپدید می‌گردیدند. مرگ زبانی یکی از ویژگی‌های عمده تاریخ بشر است. اغلب زبان لاتین را زبانی مرده می‌نامند و واقعیت این است که اگر سرباز مشهور ژولیوس سزار دوباره زنده شود، هیچ بومی لاتین زبان زنده‌ای وجود ندارد تا با او به گفتگو بپردازد. البته برخی از پژوهشگران و کشیشان، لاتین را به عنوان زبان دوم آموخته‌اند ولی این موضوع با بومی بودن متفاوت است. مرگ زبانی اغلب هنگامی روی می‌دهد که سخنگویان به یک زبان با جایگزین کردن یک زبان دیگر از سخن گفتن به زبان خودشان سر باز می‌زنند. این وضعیت وقتی پیش می‌آید که یک زبان با زبان دیگری که دارای منزلت بیشتری است تماس پیدا کند. با گذشت زمان، این زبان نیز به سرنوشت طبیعی زبان‌های گسترده مواجه شد و به چندین زبان کاملاً متفاوت تبدیل گردید. با تجزیه سیاسی امپراتوری روم، عامل همگرایی نیرومندی وجود نداشت تا در برابر تمایل طبیعی زبان به دگرگونی در مناطق مختلف مقاومت کند و به همین دلیل تفاوت بین زبان‌های گفتاری مناطق دوردست امپراتوری کهن در گذر زمان بیشتر و بیشتر شد. در هر نسلی انسان‌ها زبان خود را از والدینشان می‌آموزند و آن را به فرزندان خود نیز منتقل می‌کنند و با این دانسته پیداست که هرگز

<sup>1</sup> Umbrian

<sup>2</sup> Romanian

<sup>3</sup> Catalan

<sup>4</sup> Provençal

<sup>5</sup> Sardinian

<sup>6</sup> Occitan

<sup>7</sup> Dalmation

نمی‌توان گروهی را به عنوان آخرین کسانی که به زبان لاتین سخن می‌گویند، در نظر گرفت. زبان‌ها پیوسته در تغییرند و در واقع هیچ‌گونه وقفه‌ای در پیوستگی آن‌ها میان یک مقطع زمانی و مقطع زمانی دیگر وجود ندارد. مرزهای زمانی و مکانی یک زبان غالباً ثابت نیستند و به طور دقیق معلوم نیست در چه تاریخی زبان لاتین به فرانسوی باستان یا ایتالیایی باستان یا اسپانیایی باستان تبدیل شده است. اما صورت‌های مختلف زبان لاتین که امروزه در پاریس، رم و مادرید به کار می‌رود با نیای زبان رومیایی و با یکدیگر آنقدر متفاوت هستند که دیگر نمی‌توان آن‌ها را «لاتین» یا همان نیای زبان رومیایی نامید، امروزه به جای «لاتین پاریس»، «لاتین رم» و «لاتین مادرید» از عنوان «فرانسه»، «ایتالیایی» و «اسپانیایی» استفاده می‌شود و در واقع از این‌ها می‌توان به عنوان صورت‌های متأخرتر زبان رومیایی یا همان زبان لاتین یاد کرد.

#### منابع و ارجاعات

- آرلاتو، آنتونی (۱۳۸۴). *درآمدی بر زبان شناسی تاریخی*، ترجمه یحیی مدرسی. چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اگرادی، ویلیام و دیگران (۱۳۸۴). *درآمدی بر زبان شناسی معاصر*، ترجمه علی درزی، چاپ دوم، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.
- تراسک، آر. ال (۱۳۸۲). *تحول زبان*، ترجمه ارسلان گلفام، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- رویینز، آراچ (۱۳۷۳). *تاریخ مختصر زبان شناسی*، ترجمه علی محمد حق شناس، چاپ دوم، تهران، انتشارات کتاب ماد.
- سایپر، ادوارد (۱۳۷۶). *زبان، درآمدی بر مطالعه سخن گفتن*، ترجمه علی محمد حق شناس، چاپ اول، تهران، انتشارات سروش.

کاتسندر، کنت (۱۳۷۶). *زبان‌های جهان*، ترجمه رضی هیرمندی (خدادادی)، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

مشکوه الدینی، مهدی (۱۳۷۶). *سیر زبان‌شناسی*، چاپ دوم، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

### References

- Bennett, Charles E. (1908). *A Latin Grammar*, U.S.A., Norwood press.
- Oerberg, Hans H. (1965). *Lingua Latina*, part 1, volume 1, Nature Method Institute.
- Arlato, Anthony (2004). *An introduction to historical linguistics*, translated by Yahya Madrasi. Second edition, Tehran, Publications of Humanities and Cultural Studies Research Center.
- Agrady, William and others (2004). *An Introduction to Contemporary Linguistics*, translated by Ali Darzi, second edition, first volume, Tehran, Samt Publications.
- Trask, R.L. (2012). *The evolution of language*, translated by Arslan Gulfam, first edition, Tehran University Press, 2012.
- Robbins, R.H. (2013). *A Brief History of Linguistics*, translated by Ali Mohammad Haqshanas, second edition, Tehran, Mad Kitab Publishing House.
- Sapir, Edward (1997). *Language*, an introduction to the study of speaking. Translated by Ali Mohammad Haqshanas, first edition, Tehran, Soroush Publishing House.
- Katsner, Kenneth (1997). *The languages of the world*, translated by Razi Hirmandi (Khodadadi), first edition, Tehran, University Publishing Center.
- Mishkoh al-Dini, Mahdi (1997). *The course of linguistics*, second edition, Mashhad, Ferdowsi University Press, Mashhad.

#### HOW TO CITE THIS ARTICLE

Gandomi, Nasrin (2022) Transformation of the Ancestor of the Roman Languages How to Convert It into New Roman Languages. *Language Art*, 7(1):31-46, Shiraz, Iran. [in Persian]

DOI: 10.22046/LA.2022.02

URL: <https://www.languageart.ir/index.php/LA/article/view/276>





## ORIGINAL RESEARCH PAPER

### Transformation of the Ancestor of the Roman Languages How to Convert It into New Roman Languages

Nasrin Gandomi<sup>1</sup>

MA in General Linguistics, Azad University, Tehran Centre,  
Tehran, Iran.



(Received: 5 September 2021; Accepted: 3 November 2021; Published: 28 February 2022)

When a language is spoken in a very wide area, it changes, but the changes observed in one geographical area are different from the changes of that language in another area. Hence, an old single language appears in different forms in the next stage. The famous example of this is the ancestor of the roman language, the roman, and the derived languages, the new roman. These new languages are still similar in cases, but are not mutually reinforcing. In this article, in the historical survey of the ancestor of the romance languages, it is shown that this language has never died but is continuous and has been created by the diversity of language that has been done by companionship with other languages. The various forms of the Latin language used today in Paris, Rome, and Madrid, though different from Roman, but derived from the ancestor of the Roman language, and now instead of Latin Paris, Rome and Latin Madrid are used as French, Italian and Spanish. Also in this paper, by studying the branch of Italic language from large family of Indo-European languages, and studying the most important language among the languages of this branch, which is undoubtedly Latin, it tried to trace the traces of this language among the languages of that branch.

**Keywords:** Indo-European Languages, Italic Language, Language Diversity, Latin Language, Roman Languages.

---

<sup>1</sup>E-mail: ngandomi@ut.ac.ir